

Explaining the Position of Integrated Metropolitan Governance from the Perspective of Human security

Tajoddin Karami¹

Received: 06, April, 2020 Accepted: 09, May, 2020

Abstract

Background and objectives: The pivotal role of cities, and especially metropolitan cities, as the engine of development, has made them the focus of population density, activity, and the center of growing challenges and issues. Most of these challenges have focused on human security. The aim of the present study was to explain the need to establish integrated urban management in order to improve human security in these metropolises.

Methodology: In terms of its objectives the present study is of an applied research type and in terms of methodology it is considered as a descriptive-analytical study and the required data was collected through documentary methods and library study. In data analysis, in addition to descriptive-interpretive methods, statistical and spatial analysis (based on GIS) was employed.

Findings: 18 metropolitan and the mother cities of the region contain about 34% of the total population and 45.5% of the urban population of Iran. In addition, 52% of the total population and 76.2% of the country's urban population live within 51 km of these cities. They have played the biggest role in GDP and value-added production in the country. The system of governance in these cities has also been suffering from partial and functional-spatial fragmentation.

Results: The accumulation of capital and population density in metropolitan areas has exposed the human security of their inhabitants to various natural and human hazards. In addition, the system of unsustainable separatist administration in these cities has not been effective in improving human security and has been incapable in managing trans-territorial risks due to conflict of interest and inconsistency. Therefore, the establishment of a desirable and integrated governance is necessary to address the content and procedural challenges in metropolitan administration and to promote their social and human security.

Keywords: Human security, Urban governance, Urbanization, Metropolis, Integrated urban management.

¹ Assistant Professor and Faculty Member of Kharazmi University. Tehran- iran
Email: karami_ta@yahoo.com

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

صص - ۳۵ - ۱

تبیین جایگاه حکمروایی یکپارچه کلان‌شهری از منظر امنیت انسانی

تاج‌الدین کرمی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: نقش محوری شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها به‌مثابه موتور توسعه، آن‌ها را آماج تمرکز و تراکم جمعیت، فعالیت و نیز کانون چالش‌ها و مسائل فزاینده‌ای کرده است. بخش عمده‌ای از این چالش‌ها معطوف به امنیت انسانی بوده است. هدف تحقیق حاضر، تبیین ضرورت استقرار مدیریت یکپارچه شهری به‌منظور ارتقا امنیت انسانی در این کلان‌شهرها بوده است.

روش: تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های موردنیاز از طریق روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شدند. در تحلیل داده‌ها، علاوه بر روش‌های توصیفی - تفسیری، از تحلیل‌های آماری و فضایی (مبتنی بر GIS) استفاده شد.

یافته‌ها: ۱۸ کلان‌شهر و مادر شهر منطقه‌ای در حدود ۳۴ درصد جمعیت کل و ۴۵/۵ درصد جمعیت شهری ایران را در خود جای داده‌اند. به‌علاوه ۵۲ درصد جمعیت کل و ۷۶/۲ درصد جمعیت شهری کشور در فاصله ۵۱ کیلومتری این شهرها ساکن شده‌اند. آن‌ها بیشترین نقش را در تولید ناخالص داخلی و تولید ارزش‌افزوده در کشور داشته‌اند. نظام حکمروایی در این شهرها نیز دچار تفرق‌گرایی بخشی و فضایی - کارکردی بوده است.

نتیجه‌گیری: انباشت سرمایه و تراکم جمعیت در کلان‌شهرها، امنیت انسانی ساکنان آن‌ها را در معرض مخاطرات طبیعی و انسانی گوناگونی قرار داده است. به‌علاوه نظام اداره ناپایدار تفرق‌گرای این شهرها، کارایی لازم برای راه‌برداری امنیت انسانی نداشته و به دلیل تضاد منافع و ناهماهنگی در مدیریت مخاطرات قلمروی ناتوان بوده است. ازاین‌رو استقرار حکمروایی مطلوب و یکپارچه برای رفع چالش‌های محتوایی و رویه‌ای در اداره کلان‌شهرها و ارتقا امنیت اجتماعی و انسانی آن‌ها، ضروری است.

کلیدواژه‌ها: امنیت انسانی، حکمروایی شهری، شهری شدن، کلان‌شهر و مدیریت یکپارچه شهری

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، تهران - ایران، ذنویسنده مسئول. آدرس پست الکترونیک:

مقدمه

امنیت انسانی، مفهومی نوظهور است که پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق (میسرا، ۲۰۱۴: ۲۴)، توسط محبوب الحق در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد ۱۹۹۴، مطرح شد (زمانی و شیران خراسانی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). امنیت انسانی با اصول توسعه پایدار درهم تنیده شده و بر نبود هرگونه تهدید برای بقا، زندگی و کرامت انسانی دلالت دارد (آکی‌یوده^۱، ۲۰۱۲: ۷۷). به دلیل شهری شدن شتابان، رشد انفجاری جمعیت و گسترش ناپایدارهای شهری، دولت‌ها به تنهایی قادر به مقابله به پیامدهای ناشی از تراکم مسائل گوناگون زیست‌محیطی و اجتماعی — اقتصادی نیستند و توسعه نهادی شهرها به منظور تأمین و ارتقا امنیت انسانی در شهرها ضروری است (بولنز^۲، ۲۰۰۸: ۳۶). از سوی دیگر، به‌رغم تمرکز و تراکم بسیاری از مسائل جوامع انسانی در شهرها، آن‌ها رهبری برنامه حیاتی پایداری جهانی را نیز بر عهده دارند (وو و دیگران^۳، ۲۰۱۳: ۳۹)؛ بنابراین از اواخر دهه ۱۹۷۰، بهبود حکمروایی شهری برای نیل به توسعه پایدار مدنظر قرار گرفته است (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۶).

در سال‌های اخیر، تحقیق در ابعاد گوناگون امنیت انسانی در شهرها، به‌مثابه یکی از ارکان مهم پایداری شهری، گسترش یافته است. از جمله این تحقیقات، می‌توان به گزارش «برنامه سکونتگاه‌های انسانی ملل متحد» (۲۰۰۷) اشاره کرد که ایمنی و امنیت شهری را در ارتباط با مفهوم امنیت انسانی مورد توجه قرار داده است (یوان — هیتات^۴، ۲۰۰۹: ۷). هم‌چنین آکی‌یوده در مقاله‌ای با عنوان «شهری شدن و امنیت انسانی در اقتصاد در حال توسعه ابر شهری» موضوع امنیت انسانی در لاگوس نیجریه (۲۰۱۱) را از

1- Sukanya Misra

2- Oluwole Olusegun Akiyode

3- Scott A. Bollens

4- Wu et al

5- UN-Habitat: United Nations Human Settlements Programme

منظر مدیریت یکپارچه زیست‌محیطی مورد واکاوی قرار داده است (آکی‌بوده، ۲۰۱۲: ۷۶). «امنیت انسانی از منظر شهری: خشونت و محرومیت در شهرها» نیز عنوان مقاله‌ای از اسکات بولنز است که علاوه بر تحلیل رابطه محرومیت و خشونت، نقش برنامه‌ها و سیاست‌های شهری را در کاهش محرومیت، خشونت و نیز ارتقا امنیت شهری، بررسی کرده است (بولنز، ۲۰۰۸: ۳۶). میسرا (۲۰۱۴) نیز در مقاله «بررسی رابطه تراکم شهری و امنیت انسانی» با استفاده از رگرسیون چندگانه و استخراج خوشه‌های تراکمی، تحلیل رابطه تراکم جمعیت و امنیت انسانی، به مقایسه تطبیقی کلان‌شهرهای بمبی، احمدآباد و توکیو پرداخته است (میسرا، ۲۰۱۴: ۱۲). هم‌چنین راجیب شاو (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد اجتماعی امنیت انسانی در متن شهری»، رویکردهای نوآورانه کنترل و کاهش مخاطرات زیست‌محیطی را به‌منظور ارتقای امنیت انسانی در شهرها، مورد توجه قرار داده است (شاو^۱، ۲۰۱۴: ۱۴۳). در کتابی با عنوان «هنجارهای امنیت انسانی در شرق آسیا» که زیر نظر مین، گومز و موتو تدوین شده است، در ۱۴ مقاله امنیت انسانی و تجربیات کشورهای شرق آسیا را به‌ویژه با در نظر گرفتن سطوح محلی، بررسی شده است (مین، گومز و موتو^۲، ۲۰۱۹: ۱). به‌رغم گذشت حدود سه دهه از طرح موضوع امنیت انسانی در ایران، در تحقیقات شهری کمتر مورد توجه بوده است. در این ارتباط می‌توان به مقاله‌های «حفظ حقوق شهروندی و امنیت انسانی» (عبدی، ۱۳۸۴: ۱۸۹)، «نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار» (قاسمی، ۱۳۷۸: ۵۲۷)، «تغییرات آب و هوایی از امنیت بین‌المللی تا امنیت انسانی از منظر حقوق بین‌الملل» (بیگ زاده و افشاری، ۱۳۹۰: ۲۱۱)، «تحلیل امنیت انسانی — شهری در استان خراسان جنوبی از منظر ژئوپلیتیک با استفاده نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (علیپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۷)، مفهوم امنیت انسانی و رابطه آن با امنیت ملی (نجات‌پور و یزدان‌پناه، ۱۳۹۷: ۱)» و «نگاهی

1- Rajib Shaw

2 - Yoichi Mine, Oscar A. Gomez and Ako Muto

سازه‌انگاران به مفهوم امنیت انسانی» (سیفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۱)، اشاره کرد. بررسی ادبیات موضوع نشان داد، امنیت انسانی با اصول توسعه پایدار درهم تنیده شده و به دلیل شهری شدن جوامع، می‌توان آن را موضوعی شهری شده قلمداد کرد.

کلان‌شهرها و مادر شهرهای منطقه‌ای، کانون‌های راهبردی امنیت داخلی و ثبات اقتصادی — اجتماعی ایران محسوب می‌شوند؛ زیرا علاوه بر آنکه بخش عمده‌ای از جمعیت را در خود جایی داده‌اند، بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی و تولید ارزش افزوده در کشور دارند و نقش مهم و پیش برنده آن‌ها در توسعه امروز و آتی کشور حیاتی است (کرمی، ۱۳۹۵: ۲۴۹). بر این اساس کلان‌شهرها، انبوهی از جمعیت، دارایی‌ها، زیرساخت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی را در معرض مخاطرات طبیعی و انسانی قرار می‌دهند. به‌واقع مخاطرات پیش‌گفته از طریق تهدید حیات، شرایط، ملزومات و متعلقات زندگی انسانی زمینه شکل‌گیری فجایع و بلایا فراهم کرده و امنیت انسانی را به خطر می‌اندازند (یوان - هیئات، ۲۰۰۹: ۸). با عنایت به جایگاه کلان‌شهرها، مجموعه‌های شهری و مادر شهرهای منطقه‌ای با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر در توسعه، ثبات و پایداری کشور، مقاله حاضر ضرورت مدیریت یکپارچه شهری از منظر امنیت انسانی را مورد تحلیل قرار داده و بر این اعتقاد است: چنانچه در ساختار اداری — اجرایی کشور، مدیریت یکپارچه و حکمروایی خوب شهری به‌ویژه در کلان‌شهرها، مجموعه‌های شهری و کانون‌های سکونت‌ی واقع در حوزه نفوذ مستقیم آن‌ها مدنظر قرار گیرد، زمینه بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های سازمان‌های محلی، نهادهای مردمی، مدنی و بخش خصوصی در کاهش مخاطرات و ارتقای امنیت انسانی فراهم می‌آید.

مبانی نظری

امنیت انسانی و شهر: فرهنگ آکسفورد، امنیت را شامل «شرایطی می‌داند که در آن [یک موجود] در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت شود (کینگ و موری، ۱۳۸۳:

۷۷۷). امنیت، به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های اساسی رفاه، به‌روزی و حرکت به‌سوی خود شکوفایی انسانی (عسگری، ۱۳۸۱: ۱۷۹)، بنیادی‌ترین نیاز فردی — اجتماعی و زیربنای تأمین نیازهای مادی و معنوی و مهم‌ترین عامل برای بقای زندگی فرد و جامعه است (صادقیان، ۱۳۸۲: ۵۴). مفهوم امنیت انسانی در چارچوب گفت‌مان امنیتی فرامدرن قابل‌تحلیل است. در گفت‌مان مدرن، تلاش و رقابت دولت‌ها برای کسب، حفظ و گسترش منافع ملی به‌مثابه هدفی مقدس، کشمکش بین کشورها بر سر قدرت را شدت بخشیده و در عمل مفهوم امنیت را به یکی از مشتقات قدرت و به‌ویژه قدرت نظامی تبدیل کرده است (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۰). هدف امنیت ملی مقابله با تهدیداتی است که به امنیت کشور و دولت معطوف بوده و این به‌خودی‌خود به معنای وجود امنیت برای مردم نیست (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۶)؛ اما امروزه به دلایل گوناگون، امنیت بشر در مفهوم فراگیر آن در معرض خطر قرار گرفته است. بارزترین نشانه‌های فروپاشی امنیت در مفهوم فراگیر آن را می‌توان در افزایش فقر، ضعف ساختاری و بیماری اقتصاد، بیکاری، کمبود مسکن، افزایش بی‌سوادی و سوء تغذیه و نیز افزایش مسائل زیست‌محیطی و جهانی شدن آن‌ها جستجو کرد (صادقیان، ۱۳۸۲: ۵۶)؛ بنابراین دیگر امنیت ملی دولت‌محور که تمرکز آن بر حفظ موجودیت دولت و حمایت از شهروندان در برابر تهدیدات خارجی است، برای مقابله با شرایط جدید و تأمین امنیت به مفهوم فراگیر آن کفایت نمی‌کند. از این‌رو زمینه برای بسط گفت‌مان امنیتی فرامدرن و گذار از امنیت دولت‌محور به امنیت انسان‌محور و تأکید بر امنیت انسانی و جهانی فراهم شده است (خلیلی، ۱۳۸۳: ۲۱). امنیت انسانی، حاصل جمع امنیت تک‌تک افراد جامعه است و شرایطی را توصیف می‌کند که فراهم‌کننده بستر رفع نیازهای مادی و معنوی انسان به‌طور توأمان و دائمی است (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۷۵). جرج مک‌لین^۱ نیز، امنیت

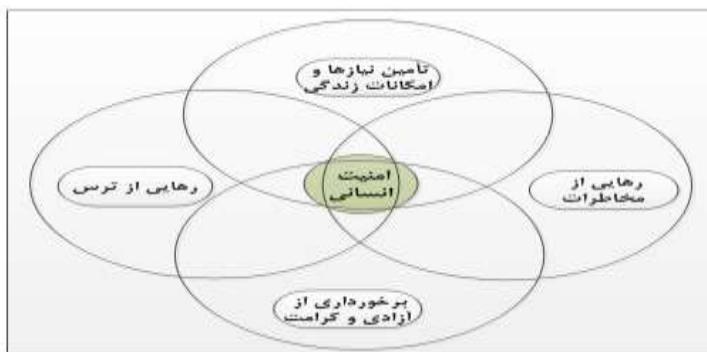
انسانی را مترادف با امنیت تک‌تک افراد در محیط پیرامون، اجتماع و محیط‌زیست دانسته و آن را شامل امنیت شخصی افراد نسبت به هرگونه خشونت و آسیب، دستیابی به اولویت‌های زندگی، ایمنی از جرم و ترور، بیماری‌های مسری، فساد سیاسی، مهاجرت اجباری و عدم محرومیت از حقوق انسانی، مصونیت نسبت به خشونت‌های جنسیتی، آزادی برگزاری تجمعات سیاسی و فرهنگی، برخورداری از توسعه سیاسی، اقتصادی و دموکراتیک، جلوگیری از استفاده نادرست یا استفاده بیش‌ازحد از منابع طبیعی، حفظ محیط‌زیست و تلاش برای جلوگیری از انواع آلودگی می‌داند. با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان امنیت انسانی را دور بودن از همه مخاطرات زمان حال و آینده دانست که بقای انسانی، زندگی فردی و روزمره، حیات اجتماعی و محیط‌زیست او را تهدید می‌کنند (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۸۲).

در میان نظریه‌های روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی از پذیرش مفهوم امنیت انسانی ظفره می‌رود؛ زیرا هستی‌شناسی فرد محور امنیت انسانی، با دولت‌محوری واقع‌گرایان سازگار نیست. به‌عکس لیبرالیسم به سبب قائل بودن به فرد‌گرایی، همسازی بیشتری با امنیت انسانی دارد. در سال‌های اخیر نیز نظریه نگاه سازه‌انگاران به امنیت انسانی به‌مثابه یک نگاه بدیع، راهی نو برای تفکر در حوزه مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل باز کرده است. این نظریه از سویی به توضیح مفاهیمی نظیر ارزش‌ها، ظهور نیروهای غیردولتی و اهمیت فرایندهای «ساختار — کارگزار محور» می‌پردازد و از دیگر سو، ابزار مفیدی برای بسط و فهم مسائل مرتبط با امنیت انسانی مانند خشونت، طبقه، جنسیت، نژاد و... را فراهم می‌آورد. نظریه سازه‌انگاران، امنیت انسانی را در سه سطح سیستمی (با تأکید بر نظام بین‌المللی)، سطح کل‌گرا (با تأکید بر ساختارهای داخلی و بین‌المللی به‌مثابه دوروی سکه نظم اجتماعی) و سطح واحد (با تأکید بر عوامل داخلی مؤثر در هویت)، مورد توجه قرار داده است. نظریه سازه‌انگاران امنیت انسانی در جوامع فرا صنعتی و

شبکه‌ای که انگاره‌ها و ویژگی بین‌الذلهانی واقعیت‌ها نقش محوری دارند، به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۲-۱۵۱). بر مبنای نگاه‌های نظری پیش‌گفته، می‌توان امنیت انسانی را از دو دیدگاه اساسی زیر مورد توجه است:

- دیدگاه حداقل‌گرایانه (مضیق) به امنیت انسانی که محققان کانادایی، غربی و آمریکایی بیشتر به آن پرداخته و تحقق آن را در «رهایی از ترس» دانسته‌اند؛
- دیدگاه حداکثر‌گرایانه (موسع) به امنیت انسانی که بر تحقق توأمان «رهایی از ترس، رهایی از نیازمندی‌ها و برخورداری از امکانات زندگی، برخورداری از آزادی و کرامت انسانی» تأکید دارد. شکل (۱)، بر اساس این دیدگاه طراحی شده است.

گزارش توسعه انسانی سازمان ملل به‌نوعی بر دیدگاه حداکثر‌گرایانه تأکید کرده و تحقق امنیت انسانی را منوط به بودن امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشت و سلامت، امنیت زیست‌محیطی، امنیت جامعه (امنیت گروهی) و امنیت فردی کرده است. بر این موارد می‌توان امنیت کاری و شغلی، امنیت اطلاعات و ارتباطات که در دو دهه اخیر اهمیت بسیاری پیدا کرده‌اند را افزود (تاج‌بخش، ۱۳۹۷: ۳۶۹ و سیفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۹)



شکل ۱: معیارهای تحقق امنیت انسانی بر مبنای دیدگاه حداکثرگرایانه

اولریش بک^۱، مدرنیته را فرایند نظام‌یافته تولید اجتماعی توأمان ثروت و مخاطرات و نیز جوامع مدرن را جوامع مخاطره‌آمیز می‌داند (بک، ۱۹۹۲: ۱۹). به باورِ او و همکاران، شهری شدن فرایند توأمان تولید مزیت و مضرت^۲ است؛ زیرا شهرها هم موتور توسعه اقتصادی، اجتماعی — فرهنگی‌اند و هم کانون مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی — اقتصادی و ... به شمار می‌روند (وو و دیگران، ۲۰۱۳: ۳۹). بر پایه این استدلال، پویای بی‌وقفه سودجویی و منفعت‌طلبی در دنیای شهری شده کنونی و بهره‌کشی مفرط از منابع طبیعی و انسانی، جوامع امروزی را با مخاطرات طبیعی و انسانی فراوان و گوناگونی روبرو کرده است (ساتن، ۱۳۹۲: ۱۲۰). گزارش بانک جهانی در خصوص «توسعه پایدار در جهان در حال تحول»، واقعیت‌های متناقض نواحی شهری را با عنوان «جلوه‌های امید و شعله‌های اخطار» معرفی کند؛ زیرا نواحی شهری (با استفاده از صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع و تراکم و از طریق هزاران کارکرد بازارهای شهری)، امکانات رفاهی و فرصت‌های فراوانی به افراد برای توسعه‌داری‌ها و افزایش بازدهی نیروی کار، فراهم می‌آورند (بانک جهانی، ۱۳۸۳: ۳۳۹). بر این اساس به‌ویژه در

1 - Ulrich Beck

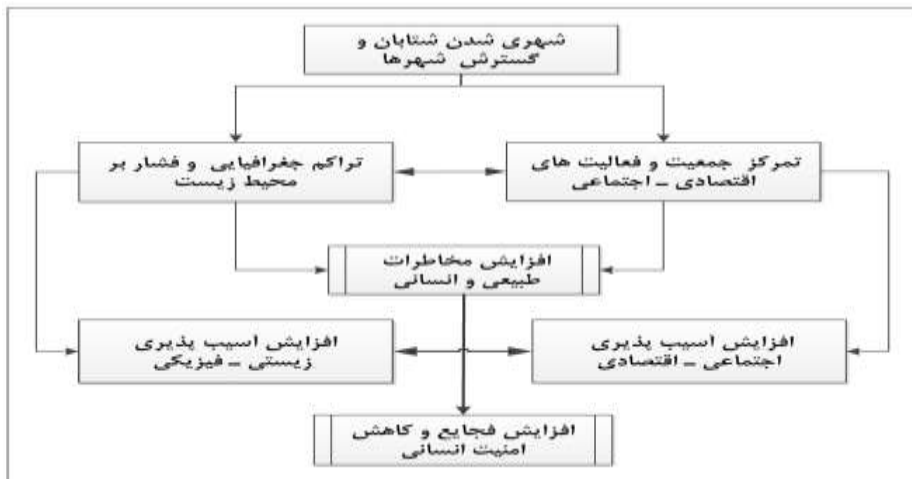
2- boon and a bane

کشورهای در حال توسعه، مردم به امید زندگی بهتر راهی کلان‌شهرهای پررونق می‌شوند؛ اما نابرابری در درآمد و ثروت، چه بین شهرها و چه در درون شهرها، نه تنها کاسته نمی‌شود، بلکه روندی به رو افزایش دارد. مسائل و آسیب‌های اجتماعی در حال گسترش‌اند، کیفیت محیط‌زیست راهی به بهبودی ندارد، در بسیاری از موارد در حال افت بوده و حفاظت از منابع حیاتی جدی گرفته نمی‌شود (هال و فایفر، ۱۳۸۸: ۴۲). گزارش سال ۲۰۰۷ «برنامه سکونتگاه‌های انسانی ملل متحد» در خصوص ایمنی و امنیت شهری نیز توجه خود را بر امنیت انسانی متمرکز کرده است. دلایل اتخاذ این رویکرد از نگاه گزارش پیش‌گفته، به شرح زیر است:

- تمرکز امنیت انسانی بر روی افراد است و نه دولت‌ها، به دلیل واقعیت‌های پیچیده جوامع امروزی، دولت‌ها به‌تنهایی قادر به تأمین امنیت همه‌جانبه شهروندان خود نیستند؛
- گذار از حقوق دولت به حقوق افراد در امنیت انسانی، نقش مکان‌ها در تأمین حقوق فردی و نیز تأمین نیازهای گوناگون امنیتی افراد را برجسته کرده است؛
- شناخت و تقویت حقوق افراد نقطه عطفی است که نقش و پاسخگویی دولت را به مواردی فراتر از امنیت خود دولت بسط می‌دهد؛
- امنیت انسانی موجب شناخت و بهره‌گیری از دامنه گسترده‌ای از راه‌حل‌های مردم محور برای مقابله با مخاطرات، تهدیدات و ریسک‌ها می‌شود؛
- امنیت انسانی، دامنه امنیت را فراتر از مرزهای زندگی افراد و اجتماعات برده و آن را به مقیاس جهانی می‌کشاند (یوان - هیئات، ۲۰۰۹: ۷-۸).

شکل (۲) که بیانگر مدل مفهومی نقش شهری شدن در افزایش مخاطرات طبیعی و انسانی است. رشد انفجاری جمعیت و شهری شدن شتابان به‌ویژه در کشورهای

در حال توسعه، بسیاری از مسائل، تهدیدها و مخاطرات محیطی (مسائل، تهدیدها و مخاطرات ناشی از فرایندهای محیط طبیعی، مصنوع و اجتماعی) را معطوف به افراد، خانواده‌ها، اجتماعات محلی، شهرها، مناطق شهری و کلان‌شهری کرده است (شاو و همکاران، ۲۰۰۹: ۵). این مخاطرات که اغلب ریشه در ساختارهای طبیعی - اکولوژیکی (همچون سیل، زلزله، آلودگی هوا، اپیدمی‌ها و ...)، اجتماعی - اقتصادی (همچون تورم، بیکاری، فقر و ...)، کالبدی - فضایی (فرسودگی بافت و ناایمن بودن ساختمان‌ها و زیرساخت‌های حمل و نقل) و ... دارند (کرمی، ۱۳۹۵: ۲۴۹)، به دلیل درهم‌تنیدگی مناسبات جوامع شبکه‌ای عصر حاضر و تعاملات فراینده اجتماعی - اقتصادی و زیست‌محیطی از مقیاس‌های محلی تا جهان، به سرعت به تهدیداتی فراگیر و جهانی تبدیل شوند (شاو و همکاران، ۲۰۰۹: ۵)؛ بنابراین نبود امنیت انسانی حتی در مقیاس‌های محلی، ممکن است در نهایت به تهدیدی علیه امنیت ملی و حتی جهانی منجر شود. از این‌روست که بهبود امنیت انسانی در کانون‌های شهری و کلان‌شهری ضروری و حیاتی تلقی می‌شود.



شکل ۲: نقش شهری شدن شتابان در افزایش مخاطرات و کاهش امنیت انسانی

حکمروایی کلان شهری و امنیت انسانی

حکمروایی کلان شهری^۱، شکل خاصی از نظام اداره شهر است که فرایندهای اداره کلان شهرها را در رسیدن به توسعه پایدار شهری، برنامه ریزی، هدایت، هماهنگی و کنترل می کند (أ. ای. سی. دی^۲، ۲۰۱۳: ۱۵۸). بسیاری از صاحب نظران، تفرق سیاسی^۳ یا فقدان انطباق قلمرو عملکردی (منطقه کلان شهری) با قلمرو سازمانی (ساختار حکومت محلی یا مدیریت شهری) را بزرگ ترین چالش در اداره کلان شهرها و مجموعه های شهری می دانند (خدمات مدیریت ایرانیان، ۱۳۸۵ الف: ۷۷)؛ زیرا تکه تکه شدن مسئولیت ها بین بازیگران گوناگون و غالب شدن نگاه بخشی سازمان های دخیل در اداره شهر، علاوه بر همپوشانی وظایف، ناهماهنگی و تعارض منافع در عرصه مدیریت شهری، به شدت از میزان شفافیت و توانایی پاسخگویی نیز می کاهد (أ. ای. سی. دی، ۲۰۱۳: ۱۵۸). تفرق گرایی بر چالش ها و مسائل رویه ای در نظام اداره شهر دامن می زند.

1 - Metropolitan Governance

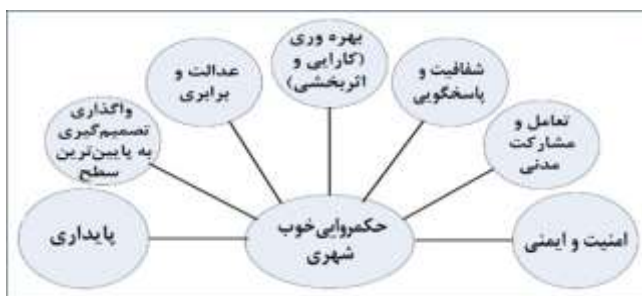
2 - The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

3 - Political Fragmentation

چالش‌ها و مسائل رویه‌ای اگرچه ناملموس و پنهان‌اند، اما مهم‌تر و بنیادی‌تر از چالش‌های محتوایی شهر (نظیر فقر شهری، اسکان غیررسمی، ناکارآمدی زیرساخت‌ها، کیفیت پایین بهداشت و محیط‌زیست و ...) محسوب می‌شوند (هال و فایفر، ۱۳۸۸: ۴۶).
تفرق‌گرایی سیاسی — نهادی در نظام اداره کلان‌شهرها و مجموعه‌های شهری هم‌جنبه بخشی (به معنای تضاد منافع و ناهماهنگی سازمان‌های درون مادر شهر اصلی) و هم جنبه فضایی (به معنای تضاد منافع و ناهماهنگی در بین سکونتگاه‌های پیرامون) دارد. از تعدد واحدهای سیاسی — مدیریتی مستقل در درون یک منطقه کلان‌شهری و مجموعه‌های شهری، با عنوان «بالکانیزه‌شدن شهری» یاد می‌شود. این واحدها درحالی‌که در قلمرو عملکردی صاحب قدرت و اختیارند و روی منافع خود اشراف کامل دارند، اما در برابر مسائلی که در خارج از قلمرو جغرافیایی آن‌ها ریشه دارند و یا از ناحیه قلمرو آن‌ها دیگر قلمروها را تهدید می‌کند، نه اختیاری دارند و نه مسئولیتی می‌پذیرند (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). در واقع شکل‌گیری مجموعه‌های شهری در اطراف کلان‌شهرها تضادهای فزاینده‌ای را بین شهر اصلی، مناطق شهری و روستایی پیرامون که از نظر اندازه، توان سیاسی، اقتصادی و سطح درآمدی متفاوت‌اند را ایجاد می‌کنند (هال و فایفر، ۱۳۸۸: ۲۴۹).

به سبب تفرق و چندپارگی موجب افزایش ناپایداری‌ها و فزونی مسائل شهری (در ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی)، افزایش ناکارآمدی، کاهش شفافیت، ناتوانی در پاسخگویی و نیز کاهش ایمنی و امنیت، رویکردهای حکمروایی خوب و مدیریت یکپارچه شهری مورد توجه قرار گرفته‌اند. حکمروایی یکپارچه شهری، مجموعه‌ای از فرایندها، نهادها، سازوکارها و فعالیت‌ها در اداره شهر محسوب می‌شود که در سطوح سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات قائل به مشارکت و تعامل مدیران شهری، بخش خصوصی، مردم و سازمان‌های مدنی است

(بیل^۱، ۱۹۹۶: ۳). حکمروایی شهری در واقع شامل مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرایند اداره شهر است. بر اساس شکل (۳)، رعایت اصولی چون شفافیت، پاسخگویی، عدالت و تساوی افراد در برابر قانون سبب می‌شود که صدای آحاد مردم در زمان اخذ تصمیمات و تخصیص منابع به گوش برسد (یوان - هیئات، ۲۰۰۹: ۶).



شکل ۳: اصول حکمروایی خوب شهری (برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل ۲۰۰۹، ۶: ۲)

حکمروایی یکپارچه منطقه کلان‌شهری از این واقعیت ریشه گرفته که واحدهای سیاسی - اداری و شهرداری‌های منفرد و مستقل در عرصه مجموعه‌های شهری، فاقد توانایی و ظرفیت لازم برای چیرگی بر مسائلی هستند که برخورد با آنها فراتر از مرزها و اختیارات هر یک از آن واحدها است (خدمات مدیریت ایرانیان، ۱۳۸۵ الف: ۹). در عرصه مدیریت کلان‌شهرها به سمت توسعه پایدار، دو تفکر اساسی زیر مطرح‌اند:

- تفکر و اقدامات بلندمدت: بر اساس این تفکر اداره کلان‌شهرها باید در راستای حفظ منابع حیاتی محیط‌زیست برای نسل‌های آینده باشد. به این مفهوم که نه تنها امنیت انسانی نسل حاضر مطرح است، بلکه بایستی

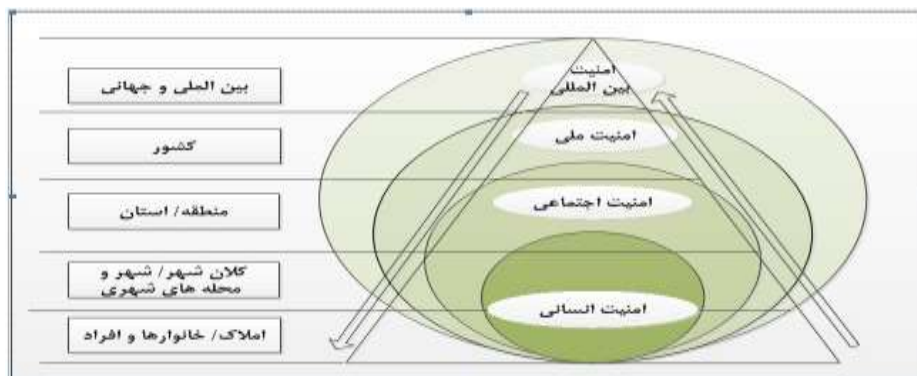
1 - Jo Beall

2 - UN-HABITAT (2009) Working GroupB

برنامه‌ریزی به نحوی باشد که منافع و امنیت نسل‌های آینده نیز مدنظر قرار گیرد؛

- تفکر و اقدامات یکپارچه: یکپارچگی تفکرات و اقدامات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان پایه‌های اساسی توسعه پایدار بایستی همواره مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس هرگونه روش اداره بر مبنای واحدهای ناهماهنگ و متفرق نه‌تنها راه به توسعه پایدار نمی‌برد، بلکه منابع حیاتی کلان‌شهرها را در معرض مخاطره جدی قرار می‌دهد (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶۲).

شهرها به‌عنوان نظامات اثرپذیر و اثرگذار و کانون‌های اصلی مناسبات اجتماعی - اقتصادی دنیای امروز، به‌شدت به ابعاد امنیتی در مقیاس‌های محلی تا جهانی وابسته و حساس‌اند. با عنایت به اهمیت تحقق امنیت انسانی در جوامع شهری شده امروز، ارتقا و توسعه آن سنخیت بیشتری با فرایندهای و مأموریت‌های مدیریت شهری دارد؛ زیرا امنیت انسانی به امنیت تک‌تک شهروندان مربوط می‌شود و همان‌طور که در شکل شماره ۴ دیده می‌شود، مدیریت شهری نزدیک‌ترین لایه حکومتی به مردم است و می‌تواند بیشترین نقش را در بهبود امنیت انسانی شهروندان ایفا کند؛ بنابراین ارتقا بعد نهادی توسعه شهری و گذار به حکمروایی خوب و پایدار، می‌تواند زمینه‌ساز تحقق معیارهای امنیت انسانی («رهایی از ترس، رهایی از نیازمندی‌ها و برخورداری از امکانات زندگی، برخورداری از آزادی و کرامت انسانی»)، باشد.



شکل ۴: جایگاه امنیت انسانی و حکمروایی کلان‌شهری در سطوح امنیت

منبع: نگارنده

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های موردنیاز از طریق روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. داده‌های آماری مورداستفاده نیز، شامل داده‌های جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و حساب‌های منطقه‌ای ۱۳۹۴ بوده است. در تحلیل داده‌ها، علاوه بر روش‌های توصیفی - تفسیری، از تحلیل‌های آمار فضایی، تحلیل فاصله و توابع همپوشانی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه نیز شامل کلان‌شهرهای با جمعیت بالای یک میلیون (شامل تهران، مشهد، اصفهان، کرج، شیراز، تبریز، قم و اهواز) و مادر شهرهای منطقه‌ای (شامل کرمانشاه، ارومیه، رشت، زاهدان، همدان، کرمان، یزد، اردبیل، بندرعباس و اراک) و سکونتگاه‌های انسانی واقع در پیرامون آن‌ها بوده است. از روش‌های متوسط فاصله نزدیک‌ترین همسایه مبتنی بر مدل فاصله اقلیدسی، تحلیل چهار گوش و توابع همپوشانی^۱، نیز برای تحلیل فضایی داده‌ها و تولید اطلاعات مورد نیاز تحقیق استفاده شده است.

جدول ۲: روابط تعیین الگوی فضایی توزیع

رابطه ۲: رابطه استخراج اضلاع چهارگوش	رابطه ۱: رابطه استخراج الگو از طریق متوسط نزدیک‌ترین همسایه	
اندازه ضلع چهارگوش $= \sqrt{2 \cdot A/N}$	Z نمره	نسبت متوسط همسایگی
	$Z = \frac{\bar{D}_O - \bar{D}_E}{SE}$	$ANN = \frac{\bar{D}_O}{\bar{D}_E} = \frac{\text{فاصله مشاهده‌مورد}}{\text{فاصله مورد انتظار}}$
	$SE = \frac{0.26136}{\sqrt{n^2/A}}$	$\bar{D}_O = \frac{0.5}{\sqrt{n/A}}$ $\bar{D}_O = \frac{\sum_{i=1}^n di}{n}$
	خطای = SE استاندارد	A = مساحت محدوده
منبع: لی و وانگ، ۱۳۸۱:۹۴ و Esri(2004), ArcGIS®:9		

یافته‌ها

جایگاه کلان‌شهرها از منظر جذب جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی

بر اساس جدول (۳)، وسعت تقریبی ۱۸" کلان‌شهر و مادر شهر منطقه‌ای با جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر «کشور در حدود ۳۰۲۰/۸ کیلومتر مربع بوده و سهم آن‌ها از وسعت کشور در حدود ۰/۱۸ درصد است؛ اما یک‌سوم (۳۴ درصد) کل جمعیت و ۴۵/۵ درصد از جمعیت شهری کشور را در خود جای داده‌اند. تراکم نسبی جمعیت در شهرهای مذکور (بر اساس سرشماری ۱۳۹۵) در حدود ۸۹۰۷/۶ نفر در کیلومتر مربع است. این در حالی است که بر اساس آمار همان سال، رقم تراکم جمعیتی در کل کشور، ۴۶ نفر در کیلومتر مربع بوده است.

جدول ۳: ویژگی‌های جمعیتی کلان‌شهرها و مادر شهرهای منطقه‌ای با جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر کشور

کلان‌شهرها	جمعیت سال ۱۳۳۵	رتبه جمعیتی سال ۱۳۳۵	جمعیت سال ۱۳۹۵	رتبه جمعیتی در سال ۹۵	مساحت تقریبی (کیلومتر مربع)	درصد افزایش جمعیت به سال پایه	تراکم نسبی جمعیت (۹۵)	نرخ رشد سالانه جمعیت دوره ۳۵ تا ۹۵
تهران	۱۵۱۲۰۸۲	۱	۸۶۹۳۷۰۶	۱	۶۱۳/۳	۵۷۴/۹	۱۴۱۷۴/۴	۲/۹۶
مشهد	۲۴۱۹۸۹	۴	۳۰۰۱۱۸۴	۲	۳۵۱/۵	۱۲۴۰/۲	۸۵۳۸/۹	۴/۲۹
اصفهان	۲۵۴۷۰۸	۳	۱۹۶۱۲۶۰	۳	۲۶۷/۶	۷۷۰/۰	۷۳۲۸/۵	۳/۴۶
کرج	۱۴۵۲۶	۷۰	۱۵۹۲۴۹۲	۴	۱۲۵/۱	۱۰۹۶۳/۰۵	۱۲۷۲۹/۸	۸/۱۴
شیراز	۱۷۰۶۵۹	۷	۱۵۶۵۵۷۲	۶	۲۱۷	۹۱۷/۴	۷۲۱۴/۶	۳/۷۶
تبریز	۲۸۹۹۹۶	۲	۱۵۵۸۶۹۳	۵	۲۴۹/۹	۵۳۷/۵	۶۲۳۷/۳	۲/۸۴
قم	۹۶۴۹۹	۱۲	۱۲۰۱۱۵۸	۸	۱۲۷/۲	۱۲۴۴/۷	۹۴۴۰/۸	۴/۲۹
اهواز	۱۲۰۰۹۸	۹	۱۱۸۴۷۸۸	۷	۱۹۴/۹	۹۸۶/۵	۶۰۷۷/۷	۳/۸۹
کرمانشاه	۱۲۵۴۳۹	۸	۹۴۶۶۵۱	۹	۸۳/۱	۷۵۴/۷	۱۱۳۸۵/۷	۳/۴۳
ارومیه	۶۷۶۰۵	۱۳	۷۳۶۲۲۴	۱۰	۸۵/۸	۱۰۸۹/۰	۸۵۸۳/۴	۴/۰۶
رشت	۱۰۹۴۹۱	۱۰	۶۷۹۹۹۵	۱۱	۱۰۲/۴	۶۲۱/۱	۶۶۴۰/۶	۳/۰۹
زاهدان	۱۷۴۹۵	۵۹	۵۸۷۷۳۰	۱۲	۵۸/۸	۳۳۵۹/۴	۹۹۸۹/۷	۶/۰۳
همدان	۹۹۹۰۹	۱۱	۵۵۴۴۰۶	۱۳	۶۲/۲	۵۵۴/۹	۸۹۱۴/۹	۲/۹۰
کرمان	۶۲۱۵۷	۱۷	۵۳۷۷۱۸	۱۴	۱۲۲/۲	۸۶۵/۱	۴۴۰۰/۳	۳/۶۶
یزد	۶۳۵۰۱	۱۵	۵۲۹۶۷۳	۱۵	۱۸۰	۸۳۴/۱	۲۹۴۲/۶	۳/۶۰
اردبیل	۶۵۷۴۲	۱۴	۵۲۹۳۷۴	۱۶	۵۷/۵	۸۰۵/۲	۹۲۰۱/۷	۳/۵۴
بندرعباس	۱۷۷۱۰	۵۵	۵۲۶۶۴۸	۱۷	۵۹/۳	۲۹۷۳/۷	۸۸۸۵/۶	۵/۸۲
اراک	۵۸۹۹۸	۱۸	۵۲۰۹۴۴	۱۸	۶۲/۹	۸۸۳/۰	۸۲۸۳/۴	۳/۷۰
جمع	۳۳۸۸۶۰۴	...	۲۶۹۰۸۲۱۶	...	۳۰۲۰/۸	۷۹۴/۱	۸۹۰۷/۶	۳/۵۱

استخراج‌شده بر اساس نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، داده‌های شهرداری کلان‌شهرها و

گزارش‌های طرح‌های توسعه شهری

بر اساس نتایج تحلیل آمار فضایی، نرخ متوسط نزدیک‌ترین فاصله برای کانون‌های شهری در ایران در حدود ۰/۸۹ می‌باشد که بیانگر وجود الگوی فضایی خوشه‌ای در استقرار شهرهای ایران است. شواهد تحلیل پیش‌گفته را می‌توان در استقرار عمده شهرهای ایران در نیمه غربی و شمالی کشور (در دامنه‌های رشته‌کوه‌های البرز و زاگرس) دید. هم‌چنین بر اساس تحلیل شبکه سلولی مبتنی بر آرایه چهارگوش‌ها، «سطح کل کشور در شبکه سلولی ۵۱ در ۵۱ کیلومتری» پهنه‌بندی شده است. بر اساس همپوشانی نقاط شهری و دسته‌بندی نظریان از سلسله‌مراتب شهری (نظریان، ۱۳۹۶: ۲۶۳)، از ۷۱۶ عارضه سلولی ۲۸۳ سلول که معادل ۴۰ درصد سلول‌ها هستند، به کلی فاقد جمعیت (۱۲ درصد) و یا فاقد جمعیت شهری (۲۸ درصد) می‌باشند. سلول‌هایی که ۱۸ کلان‌شهر و مادر شهر منطقه‌ای با جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر در آن‌ها واقع شده‌اند تنها ۲۶ سلول (۳/۶ درصد) از کل سلول‌های گستره سرزمینی را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که این سلول‌ها در حدود ۴۱ درصد جمعیت شهری و روستایی ایران را در خود جایی داده‌اند. این تحلیل‌ها، بیانگر آن است که به دلیل شرایط خاص بستر طبیعی و اقتصاد سیاسی توسعه، عمده جمعیت کشور به صورتی ناموزون توزیع شده است. این توزیع ناموزون به دلیل خالی شدن بخش‌هایی از کشور و به‌ویژه مرزها از جمعیت و تراکم شدید جمعیت در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، می‌تواند پیامدهای امنیتی گوناگونی چه در سطح امنیت ملی و چه در سطح امنیت انسانی داشته باشد.

جدول ۴: پهنه‌بندی شبکه سلولی (چهار گوش) بر محوریت سلسله‌مراتب جمعیت شهری

جمعیت شهری و روستایی (سال ۹۵)		جمعیت روستایی (سال ۹۵)		جمعیت شهری (سال ۹۵)			مساحت تقریبی (خشکی‌ها)		پهنه‌بندی شبکه سلولی (گوش) بر محوریت مراتب جمعیت شهری	
ردیف	جمعیت	ردیف	جمعیت	ردیف	تعداد	جمعیت	ردیف	مساحت (کیلومتر مربع)	تعداد	پهنه‌ها
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰/۳	۱۶۶۰۹۴	۸۵	جمعیت
۲/۳	۱۸۰۶۰۳۴	۸/۸	۱۸۰۶۰۳۴	۰	۰	۰	۲۵/۷	۴۱۶۹۹۸	۱۹۸	جمعیت شهری
۷/۸	۶۲۰۱۶۹۴	۲۱/۰	۴۳۲۵۱۷۷	۳/۲	۳۳۳	۱۸۸۲۶۳۳	۲۳/۵	۳۸۰۱۷۹	۱۵۴	بسیار کوچک ۵ هزار نفر و کمتر
۴/۱	۳۲۷۸۷۵۲	۱۰/۱	۲۰۷۱۸۴۳	۲/۱	۱۱۶	۱۲۱۵۱۰۲	۱۱/۶	۱۸۷۴۰۷	۸۲	کوچک با تا ۲۵ هزار نفر
۷/۲	۵۷۵۶۱۰۸	۱۲/۳	۲۵۳۰۰۸۲	۵/۵	۱۹۲	۳۲۶۵۸۷۹	۹/۰	۱۴۵۹۶۹	۶۴	کوچک با تا ۵۰ هزار نفر
۱۰/۳	۸۲۰۵۲۵۵	۱۳/۶	۲۷۹۰۵۹۳	۹/۲	۱۸۷	۵۴۱۴۶۶۲	۷/۸	۱۲۶۸۸۲	۵۴	میانی کوچک تا ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر
۲۰/۱	۱۵۹۸۱۹۷ ۹	۱۸/۶	۳۸۲۶۶۲۹	۲۰/۶	۲۵۷	۱۲۱۵۵۳۵ ۰	۸/۱	۱۳۱۱۵۳	۵۳	بیانی با جمعیت تا ۲۵۰ هزار نفر
۷/۳	۵۷۷۹۷۲۱	۶/۱	۱۲۶۱۰۶۸	۷/۶	۶۵	۴۵۱۸۶۵۳	۱/۴	۲۳۱۲۱	۹	بزرگ و مراکز جمعیت تا ۲۵۰ هزار
۹/۴	۷۴۶۲۲۸۹	۴/۰	۸۱۶۴۲۹	۱۱/۲	۴۰	۶۶۴۵۸۶۰	۱/۵	۲۳۵۶۶	۱۰	های منطقه‌ای با تا ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر
۱۴/۶	۱۱۶۰۲۰۵ ۰	۳/۴	۷۰۳۸۵۴	۱۸/۴	۲۵	۱۰۸۹۸۱۹ ۶	۱/۰	۱۵۶۷۵	۶	های منطقه‌ای یک میلیون نفر

۱۷/۰	۱۳۵۶۱۰۹	۲/۰	۴۱۶۵۶۴	۲۲/۲	۲۵	۱۳۱۴۴۵۲	۰/۲	۲۶۱۳	۱	ن‌شهری تهران کرج
۱۰۰	۷۹۶۳۴۹۷	۱۰۰	۲۰۵۴۸۲۷	۱۰۰	۱۲۴۰	۴۷۳۶۲۵۸	۱۰۰	۱۶۱۹۶۵۵	۷۱۶	جمع
	۱		۳			۷				
	۳		۳			۶				

بررسی رابطه تولید ارزش افزوده در رده کلی رشته فعالیت اقتصادی و نرخ شهرنشینی، بیانگر وابستگی شدید فعالیت‌های بخش‌های صنعت، امور زیربنایی، خدمات مالی و کسب‌وکار و خدمات عمومی با عامل شهرنشینی است.

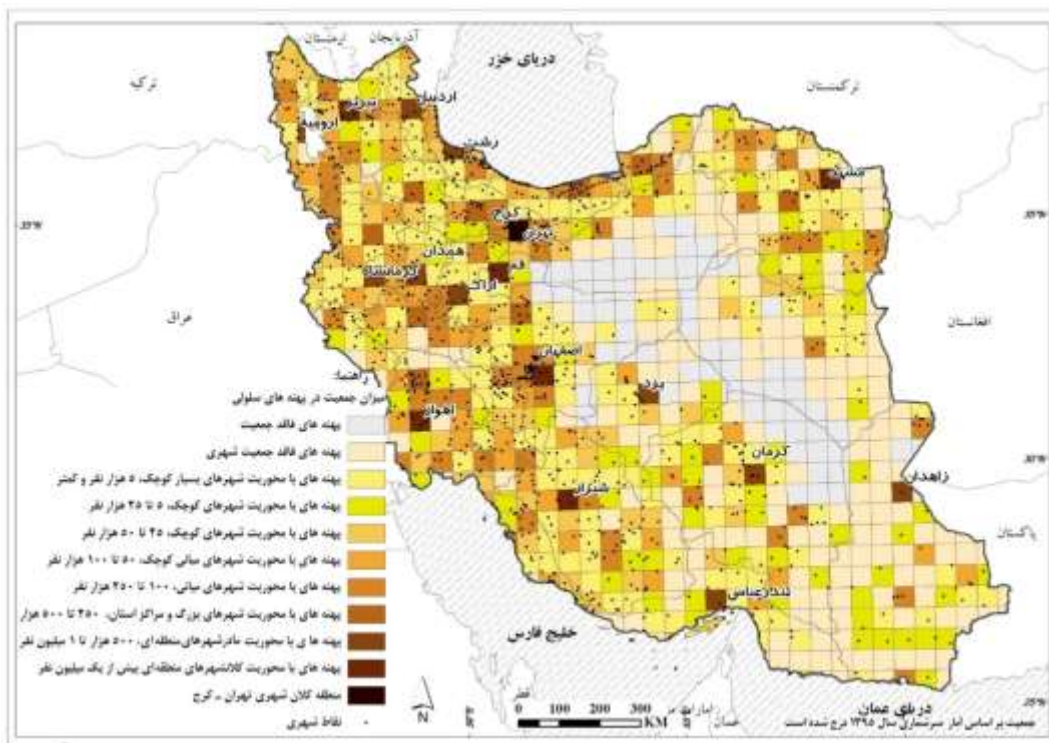
جدول ۵: ضرایب همبستگی بین سهم ارزش افزوده و سهم جمعیت شهری استان‌های کشور

خدمات عمومی	خدمات مالی و کسب‌وکار	امور زیربنایی	صنعت	معدن	کشاورزی و ماهیگیری	رده کلی رشته فعالیت
۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۸۶	۰/۰۰۴	۰/۲۴	ضریب R^2

منبع: کرمی، ۱۳۹۲: ۴۲

هم‌چنین بررسی حساب‌های منطقه‌ای در سال ۱۳۹۴، بیانگر آن است که استان‌هایی که کلان‌شهرهای اصلی کشور در آن‌ها واقع شده‌اند سهم زیادی از تولید ناخالص داخلی و تولید ارزش افزوده کشور را دارند. چنانچه بر اساس آمار منتشره مرکز آمار، سهم هشت استان تهران، البرز، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، قم، اصفهان، فارس و خوزستان از تولید ناخالص داخلی با و بدون احتساب سهم نفت به ترتیب ۵۹/۲۱ و ۶۱/۶۲ درصد است. در این میان سهم استان تهران نسبت به کل استان‌ها در موارد پیش گفته به ترتیب ۲۳/۷ و ۲۸ درصد است. همچنین سهم هشت استان مورد اشاره در تولید ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی، ۳۷/۸ درصد در کشاورزی و ماهیگیری، ۷۲/۵ درصد در معدن، ۶۰/۲ درصد در صنعت، ۶۲/۳ درصد در امور زیربنایی، ۷۰/۳ درصد در خدمات مالی و کسب‌وکار و ۶۲/۱ درصد در امور و خدمات عمومی است. سهم استان تهران نسبت به کل استان‌ها نیز در موارد پیش گفته به ترتیب ۴/۳، ۰/۷۹، ۱۸/۵،

۲۷، ۳۴/۳ و ۳۱ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). این ارقام نشان می‌دهد که کلان‌شهرها و به‌ویژه تهران بخش عمده جمعیت و اقتصاد را در خود جایی داده‌اند.



شکل ۶: نقشه بهینه‌بندی شبکه سلولی (چهارگوش) بر محوریت سلسله مراتب جمعیت شهری

منبع: نگارنده

تحلیل تفرق‌گرایی در اداره شهرها و کلان‌شهرها

در ساختار سیاسی بسیط و متمرکز ایران، حکومت‌های محلی قدرت چندانی ندارند. به‌علاوه همین حکومت محلی ضعیف، ساختاری نامنسجم دارد. جدول ۶، بیانگر دوگانگی در ساختار حکومت محلی (دولتی و منتخب) در ایران است.

جدول ۶: ویژگی‌های عمده نظام محلی و دولتی اداره امور شهر

نوع دسته‌بندی	مهم‌ترین خصوصیات
نظام دولتی اداره امور محلی	عمودی بودن ساختار و روابط قدرت، تبعیت از نظام سلسله‌مراتبی، غیرمنتخب (به‌استثنای رئیس‌جمهور)، استقلال اندک، عملکرد تک‌بعدی و بخشی.
نظام محلی اداره امور محلی (شهرداری - شورا) با مردم	افقی بودن ساختار و روابط قدرت، غیردولتی بودن، منتخب بودن، برخورداری از استقلال نسبی، برخوردار بودن از رسمیت قانونی، عملکرد چندبخشی و ارتباط بی‌واسطه

منبع: خدمات مدیریت ایرانیان، ۱۳۸۵، ب: ۸۲

بر اساس مندرجات جدول ۶، «نظام محلی اداره امور محلی (شهرداری - شورا)» به دلیل افقی بودن در ساختار و روابط قدرت، غیردولتی بودن، منتخب بودن، برخورداری از استقلال نسبی، برخورداری از رسمیت قانونی، عملکرد چندبخشی و ارتباط بی‌واسطه با مردم از پتانسیل بیشتری برای دستیابی به شاخص‌های حکمروایی مطلوب برخوردار است؛ زیرا شهرداری‌ها و شوراهای نزدیک‌ترین لایه اجرایی هستند که بدون واسطه با مردم در ارتباط‌اند و روزبه‌روز بر دامنه انتظارات از آن‌ها، به‌ویژه در کلان‌شهرها افزوده می‌شود. بر این اساس و با عنایت به شهری شدن جامعه ایران و ظهور کلان‌شهرها در سازمان فضایی کشور در دهه‌های اخیر، نیاز به واگذاری تصدی‌های بیشتر به مدیریت شهری بیشتر شده است. این موضوع از زمان تصویب قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفت (ماده ۱۳۶ و ۱۳۷) و در قوانین برنامه‌های توسعه بعدی نیز به اشکال گوناگون تکرار شده است؛ اما به دلیل عدم تحقق قوانین مورد اشاره، ارتقاء جایگاه مدیریت شهری در نظام سیاسی - مدیریتی کشور و تحقق مدیریت یکپارچه شهری کماکان به‌عنوان یکی از مطالبات شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر از دولت مطرح است (خدمات مدیریت ایرانیان، ۱۳۸۵، ب: ۸۴).

مدیریت کلان‌شهرها در ایران علاوه بر تنگ بودن دامنه اختیارات، از نبود انسجام و تفرق‌گرایی سیاسی - اداری هم رنج می‌برد. البته بنا بر وزن کارکردی و شرایط

جغرافیایی، هر یک از کلان‌شهرهای کشور گونه‌ای خاص از توسعه فضایی را تجربه کرده‌اند و به‌رغم تشابه زیاد، تفاوت‌هایی اساسی هم دارند؛ اما آنچه مسلم است، تفرق‌گرایی سیاسی — مدیریتی در کلان‌شهرهای کشور را می‌توان در دو بعد بخشی (تضاد منافع و ناهماهنگی‌های درون کلان‌شهری) و فضایی — عملکردی (تضاد منافع و ناهماهنگی‌های واحدهای سیاسی — اداری مستقل درون مجموعه شهری) پی گرفت. تحلیل وضعیت کلان‌شهر و مجموعه شهری تهران کمک خوبی به فهم تفرق‌گرایی مورد بحث می‌کند. واقعیت آن است که رشد فزاینده تهران و شهرهای پیرامون موجبات ظهور یک منطقه کلان‌شهری فراهم کرده است؛ اما نه تنها ظهور این منطقه کلان‌شهری به رسمیت شناخته نشده، بلکه با سرعت بخشیدن بر ایجاد واحدهای نوظهور سیاسی - اداری (تشکیل استان البرز و افزایش چندپارگی شهری مثل جدایی فردیس از کرج) بر شدت تفرق‌گرایی در عرصه این منطقه شهری هم افزوده شده است. گذشته از این خود مدیریت شهری در درون تهران نیز با تعدد مراکز تصمیم روبروست. به دلیل نقش آفرینی تهران در مقیاس‌های، محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی، نهادهای گوناگونی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در اداره این شهر دخیل‌اند. در جدول ۷، نهادها و کنشگران مؤثر بر مدیریت شهری تهران بر اساس حیطة مسئولیت، اهداف و ماهیت آن‌ها به پنج دسته نهادهای حکومتی — دولتی، نهادهای حکومتی — عمومی، نهادهای غیردولتی، نهادهای بخش خصوصی و نهادهای بین‌المللی دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۷: نهادهای مؤثر در نظام اداره و مدیریت کلان‌شهرها نمونه تهران

نهاد اصلی	اسامی نهاد و سازمان‌های مرتبط
نهادهای حکومتی - دولتی	مجلس شورای اسلامی، هیئت‌وزیران، وزارت کشور و استانداری، وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری، سازمان ملی زمین و مسکن، شرکت عمران شهرهای جدید، سازمان عمران و بهسازی شهری، سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران، وزارت صنایع و شرکت شهرک‌های صنعتی ایران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت حفاظت از محیط‌زیست رئیس‌جمهور

<p>و سازمان‌های مربوطه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، معاونت شورای عالی اداری، شورای عالی اداری، شورای اقتصاد، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، سازمان ثبت اسناد و املاک، سازمان اوقاف و امور خیریه، شرکت برق منطقه‌ای تهران، شرکت آب منطقه‌ای تهران، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شرکت ملی گاز منطقه تهران، شرکت مخابرات منطقه تهران، شرکت پالایشگاه تهران، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت بهداشت، درمان و علوم پزشکی، سازمان بهزیستی، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌های دولتی، بانک‌های دولتی و ...</p>	
<p>شهرداری تهران و شهرداری‌ها و دهیاری‌های حریم و مجموعه شهری تهران، شورای اسلامی شهر تهران، شوراهای اسلامی شهرها حریم مجموعه شهری تهران، شورای اسلامی استان تهران، شورای شهرستان‌های استان تهران، شورای عالی استان‌ها و ...</p>	<p>نهادهای حکومتی-عمومی</p>
<p>مجمع روزنامه‌نگاران، سازمان‌های غیردولتی فعال در محدوده تهران و مجموعه شهری آن، جامعه مهندسان مشاور، مجمع امور صنفی تهران، احزاب سیاسی، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهر ساز، متخصصان و پژوهشگران مستقل و ...</p>	<p>سازمان‌های غیردولتی</p>
<p>پیمانکاران، شرکت‌ها و سازمان‌های خدماتی بخش خصوصی، مهندسان مشاور تهیه کننده طرح‌های توسعه شهری، کارخانه‌ها و کارگاه‌های بخش خصوصی، واحدهای تجاری بخش خصوصی، بنگاه‌های معاملاتی و املاک، دفاتر خصوصی ثبت املاک، شرکت‌های خصوصی بیمه، بانک‌های خصوصی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی و ...</p>	<p>نهادهای بخش خصوصی</p>
<p>دفاتر نمایندگی و سفارت‌خانه‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، بانک جهانی، UNDP، یونسکو، شرکت‌های فراملیتی و ...</p>	<p>نهادهای بین‌المللی</p>

منبع: خدمات مدیریت ایرانیان، ۱۳۸۵، ب: ۶۹-۷۱

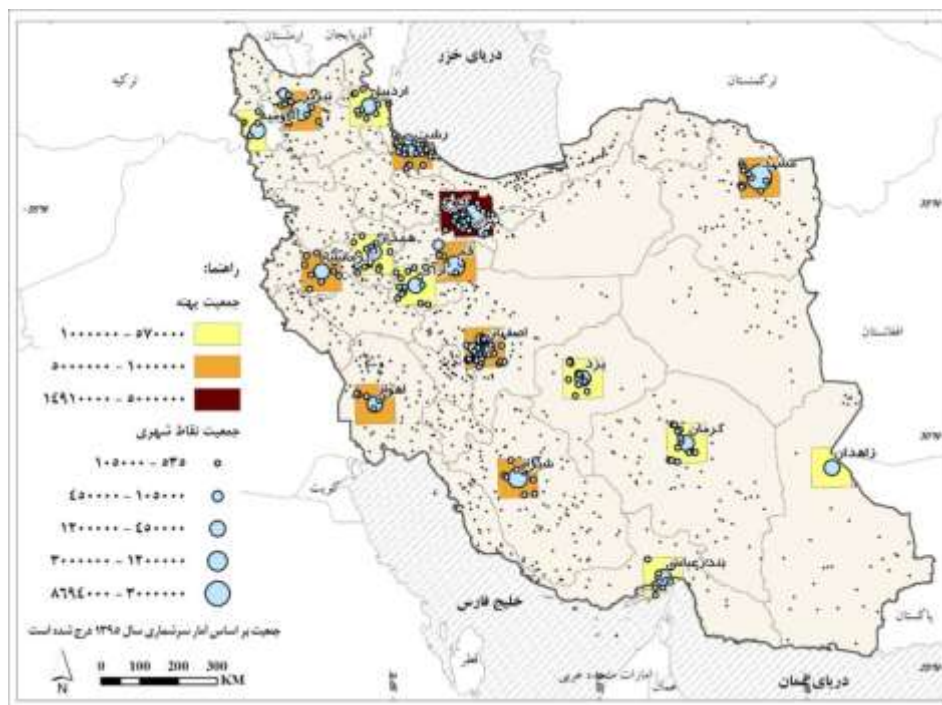
جدول ۸ و شکل ۷، نتایج همپوشانی نقشه نقاط روستایی و شهری را بر چهارگوش‌هایی در شعاع ۵۱ کیلومتری از ۱۸ کلان‌شهر و مادر شهر منطقه‌ای ترسیم شده‌اند، نشان می‌دهند.

جدول ۸: توزیع جمعیت کلان‌شهرها بر اساس پهنه‌های شبکه سلولی بافاصله ۵۱ کیلومتری
از نقاط کلان‌شهری

جمعیت شهری و روستایی		جمعیت شهری			تعداد کلان‌شهر	شبكة سلولی بر اساس جمعیت کلان‌شهرها
سهم از جمعیت روستایی کشور	جمعیت	سهم از جمعیت شهری کشور	تعداد شهر	جمعیت		
۱۱/۳	۹۰۳۴۶۸۹	۱۴/۴	۱۱۷	۶۸۳۰۲۳۳	۹	محوریت مادر شهرهای با جمعیت ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر
۲۰/۹	۱۶۶۴۱۰۷۳	۳۰/۳	۱۱۸	۱۴۳۴۳۲۷۱	۷	محوریت کلان‌شهرهای با ترازی یک میلیون نفر
۱۹/۹	۱۵۸۷۹۳۴۴	۳۱/۵	۵۲	۱۴۹۰۶۹۹۲	۲	شهری تهران - کرج
۵۲	۴۱۵۵۵۱۰۶	۷۶/۲	۲۸۷	۳۶۰۸۰۴۹۶	۱۸	

منبع: نگارنده

بر اساس مندرجات جدول ۸، پهنه‌های سلولی با محوریت کلان‌شهرها و مادر شهرهای منطقه‌ای ۵۲ درصد جمعیت کل و ۷۶/۲ درصد جمعیت شهری کشور را در خود جایی داده است. به‌علاوه در این پهنه‌ها ۲۸۷ واحد شهری وجود دارد و سهم متوسط هر شهر از این رقم ۱۶ کانون شهری است. البته این رقم چنانچه مرزهای فرمانداری‌ها، بخش‌داری‌ها و دهیاری‌ها نیز در این ارقام لحاظ شود، تعداد واحدهای اداری آ‌سیاسی مستقل در این پهنه‌ها بسیار زیاد می‌شود. با عنایت به اینکه در کشور واحد سیاسی — مدیریتی با عنوان منطقه کلان‌شهری یا مجموعه شهری، عملاً این واحدهای عمدتاً مستقل یا نیمه‌مستقل به دلیل تضاد منافع و نبود نظام هماهنگ‌کننده و یکپارچه ساز مسئولیت یا اختیار لازم برای مواجهه با مسائل فراتر از قلمرو خود را ندارند. این روند ناپایدار اداره را می‌توان مصداقی از تفرق‌گرایی — سیاسی مدیریتی و بالکاینزه‌شدن مدیریت مناطق کلان‌شهری و مجموعه‌های شهری دانست.



شکل ۷: نقشه پهنه‌بندی جمعیت کلان‌شهرها بر اساس شبکه سلولی با شعاع ۵۱ کیلومتری از نقاط کلان‌شهری

منبع: نگارنده

بحث و نتیجه‌گیری

چرخش گفتمانی امنیت ملی دولت‌محور به امنیت انسان‌محور، امنیت انسانی را در کانون توجه قرار داده و شهری شدن، انباشت سرمایه و تراکم جمعیت در شهرها و کلان‌شهرها، آن را به مسئله‌ای شهری تبدیل کرده است. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، در حدود ۷۶ درصد از جمعیت شهری و روستایی کشور در «۱۸ کلان‌شهر و مادر شهر منطقه‌ای با جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر و نواحی پیرامون» آن‌ها زندگی می‌کنند. به علاوه تراکم جمعیتی در شهرهای مورد مطالعه، ۱۹۴ برابر تراکم جمعیتی کل کشور بوده است. هم‌چنین سهم استان‌هایی که ۸ کلان‌شهر اصلی کشور (تهران، مشهد،

اصفهان، کرج، شیراز، تبریز، قم و اهواز) در آن‌ها واقع شده‌اند، از تولید ناخالص داخلی با و بدون احتساب سهم نفت، به ترتیب ۵۹/۲۱ و ۶۱/۶۲ درصد است. سهم استان‌های مذکور نیز در تولید ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی معدن، صنعت، امور زیربنایی، خدمات مالی و کسب و کار و خدمات عمومی به ترتیب ۷۲/۵، ۶۰/۲، ۶۲/۳، ۷۰/۳ و ۶۲/۱ درصد است. بر این اساس تهران و کلان‌شهرها به سبب نقش برتر در انباشت سرمایه و توسعه کشور، بخش اعظمی از جمعیت و کانون‌های کسب و کار را در معرض مخاطرات طبیعی و انسانی گوناگونی قرار داده‌اند. موارد پیش گفته در انطباق با یافته‌های پژوهش‌گرانی چون «بولنز (۲۰۰۸)، اکی‌یوده (۲۰۱۲)، میسرا و شاو (۲۰۱۴)» مبنی بر نقش شهری شدن و رشد کلان‌ها بر امنیت انسانی است. این پژوهش‌گران، برنامه‌ریزی برای بهبود امنیت انسانی را به‌مثابه مسئله‌ای شهری برای نیل و توسعه پایدار شهری حیاتی می‌دانند.

همچنین یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد، اداره کلان‌شهرها و مجموعه‌های شهری کشور، دچار چالش و مسئله تفرق‌گرایی بخشی (به معنای تضاد منافع و ناهماهنگی سازمان‌های درون مادر شهر اصلی) و تفرق‌گرایی فضایی — عملکردی (به معنای تضاد منافع و ناهماهنگی در بین سکونتگاه‌های پیرامون) است. این ویژگی ناپایدار همان‌طور که برک‌پور، اسدی (۱۳۸۸) و کاظمیان (۱۳۹۲) گفته‌اند، تصویرگر بالکانیزه شدن شهری و ازهم‌گسیختگی نهادی در قلمرو کارکردی — فضایی کلان‌شهرها و مجموعه‌های شهری است. در وضعیت کارآمدی و توان نظام اداره کلان‌شهرها و مجموعه‌های سکونتگاهی پیرامونی آن‌ها برای مدیریت چالش‌ها و مسائل فرا قلمروی کاسته شده است. در نتیجه، مدیریت شهری از تأمین نیازها و خدمات رفاهی - زیرساختی متناسب ناکام مانده و بر فراوانی و گوناگونی مخاطرات طبیعی و انسانی و دامنه آسیب‌پذیری شهروندان و هزاران کسب و کار واقع در کلان‌شهرها و مجموعه‌های

شهری پیرامون آن‌ها، افزوده می‌شود. ادامه این وضعیت ناپایدار، تاب‌آوری شهری و شهروندان در مقابله با شوک‌های ناشی از وقوع مخاطرات و دگرگونی‌های ساختارهای اجتماعی — اکولوژیکی را به شدت کاهش داده است؛ بنابراین همان‌طور که بولنز (۲۰۰۸)، اکی یوده (۲۰۱۲) و شاو (۲۰۱۴) تأکید کرده‌اند، برای آنکه مدیریت شهری بتواند در بهبود امنیت انسانی در شهرها موفق شود باید به تقویت و توسعه نهادی خود پردازد. مصداق توسعه نهادی، مدیریت یکپارچه و حکمروایی شهری است که ابعاد آن توسط کاظمیان (۱۳۹۴)، برک پور و اسدی (۱۳۸۸) و برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (۲۰۰۹)، روشن شده است. با عنایت به آنچه گفته شد و نظر به معطوف بودن امنیت انسانی به امنیت مردم و نقش منحصر به فرد شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرها به مثابه نزدیک‌ترین لایه حکومتی به مردم در بهبود و ارتقا امنیت انسانی، منطق حکم می‌کند، جایگاه مدیریت شهری کشور از طریق اعطای اختیارات و ایجاد یکپارچگی در ساختار نهادی شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها، تقویت شود.

سخن آخر اینکه، استقرار حکمروایی خوب و یکپارچه شهری، علاوه بر آنکه زمینه هماهنگی و انسجام اجتماعی - فضایی را در شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها فراهم می‌آورد، با متکی کردن اداره شهر بر اصول «پایداری، تمرکزگرایی، عدالت و برابری، بهره‌وری، شفافیت و پاسخگویی، تعامل و مشارکت مدنی و ایمنی و امنیت»، گامی اساسی در راستای توسعه نهادی شهر محسوب می‌شود. این توسعه نهادی به‌نوبه خود زمینه‌ساز ارتقا ابعاد اساسی امنیت انسانی (شامل امنیت سیاسی، اقتصادی، غذایی، بهداشت و سلامت، زیست‌محیطی، کار، اطلاعات، ارتباطات، گروهی و فردی) خواهد شد. با عنایت به آنچه گفته شد و نظر به اینکه موضوع امنیت انسانی در شهرها و کلان‌شهرهای کشور کمتر مورد توجه و تحقیق بوده پیشنهاد می‌شود، تحقیقات بیشتر و با مقیاس بزرگ‌تر، در سطوح محله‌ای، شهری و کلان‌شهری در این موضوع انجام شود. امید

است که نتایج آن تحقیقات، موجبات نقش آفرینی مؤثر سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران محلی تا ملی را در ارتقا امنیت انسانی فراهم نماید.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از خانم دکتر رباب چگینی، دانش‌آموخته رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری برای همکاری در ترسیم نقشه‌ها و همچنین از مشورت‌های ارزنده آقای دکتر حمید مستجابی سرهنگی دانش‌آموخته رشته جغرافیای سیاسی، تشکر و قدردانی کنم.

منابع

- بانک جهانی. (۱۳۸۳). گزارش جهانی توسعه ۲۰۰۳: توسعه پایدار در جهان در حال تحول، نهادهای انتقالی، رشد و کیفیت زندگی. ترجمه علی حبیبی و نسرین قبادی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- برک‌پور، ناصر؛ اسدی، ایرج. (۱۳۸۸). مدیریت و حکمروایی شهری. دانشگاه هنر، تهران.
- بیگ زاده، ابراهیم؛ افشاری، مریم. (۱۳۹۰). تغییرات آب و هوایی از امنیت بین‌المللی تا امنیت انسانی در حقوق بین‌الملل. مجله تحقیقات حقوقی، ۱۴ (۱۰۷): ۲۱۱-۲۴۳. قابل بازیابی از: http://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56744.html
- تاج‌بخش، شهربانو. (۱۳۹۷). مفهوم امنیت انسانی و ابعاد سیاست‌گذارانه آن. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۲۸): ۳۶۷-۳۷۴. قابل بازیابی از: http://sspp.iranjournals.ir/article_33912.html
- خدمات مدیریت ایرانیان (۱۳۸۵ الف). طرح مطالعاتی بازنگری استراتژیک نظام مدیریت اجرایی کلان شهر تهران. جلد اول.
- خدمات مدیریت ایرانیان (۱۳۸۵ ب). طرح مطالعاتی بازنگری استراتژیک نظام مدیریت اجرایی کلان شهر تهران. جلد سوم.

- خلیلی، رضا (۱۳۸۳). مطالعات پایه: تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۷ (۲۳): ۷-۲۹. قابل بازیابی از:
http://www.quarterly.risstudies.org/article_1028.html
- ساتن، فیلیپ (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی محیط‌زیست. ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.
- سیفی، عبدالمجید؛ خالقی نژاد، مریم؛ رضایی، حسین (۱۳۹۸). نگاهی سازه‌نگارانه به مفهوم امنیت انسانی. فصلنامه دانش راهبردی، ۹ (۳۴): ۱۶۱ - ۱۴۳. قابل بازیابی از:
http://smsnds.journals.sndu.ac.ir/article_487.html
- شکویی، حسین؛ موسی کاظمی، مهدی (۱۳۹۶). مبانی جغرافیای شهری. انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دهم.
- زمانی، سید قاسم؛ شیران خراسانی، رضا (۱۳۹۷). نابودسازی از طریق نقض امنیت انسانی. مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۹ (۱): ۱۷۹ - ۲۰۱. قابل بازیابی از:
https://jcl.ut.ac.ir/article_67266.html
- صادقیان، سید جلال (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت و ابعاد و گستره آن. مجله دانش انتظامی، ۵ (۱۶): ۵۴-۷۵. قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/272984/>
- عبدی، زهرا، (۱۳۸۴). حفظ حقوق شهروندی و افزایش امنیت انسانی. مجله برنامه، ۱۸۹ (۲۵-۲۶). قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1046828/>
- علیپور، عباس و همکاران. (۱۳۹۶). تحلیل امنیت انسانی-شهری در استان خراسان جنوبی از منظر ژئوپلیتیک با استفاده نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS). مجله کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش‌ازدور در برنامه‌ریزی، ۸ (۳): ۶۷-۷۸. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/388540/>
- عسگری، محمود. (۱۳۸۱). مفهوم نوین امنیت در عصر جهانی شدن. مجله راهبرد، ۱۱ (۲۴): ۱۷۸-۱۹۸. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/128364/>
- قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۷). نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۱ (۳): ۵۴۴ - ۵۲۷. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/273110/>

- کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۸۶). درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری. مجله جستارهای شهرسازی، ۶ (۱۹): ۷-۵. قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/330574/>
- کاظمیان، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۲). مدیریت شهری (جلد اول: مبانی و حوزه‌ها). تهران: انتشارات تپسا.
- کرمی، تاج‌الدین. (۱۳۹۲). تحلیل فضایی تمرکزگرایی در ایران با تاکید بر جایگاه مجموعه شهری تهران. نشریه دانش شهر مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۵ (۲۲۱): ۵-۳۵. قابل بازیابی از:
<http://rpc.tehran.ir/default.aspx?tabid=306&ArticleId=10421>
- کرمی، تاج‌الدین. (۱۳۹۵). چالش‌ها و مسائل کلان‌شهرها. گزارش برآورد امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- کینگ، گری؛ موری، کریستوفر. (۱۳۸۳). بازانديشي در امنيت انساني. ترجمه مرتضی بحرانی. مجله مطالعات راهبردی، ۷ (۲۶): ۷۷۵ - ۸۰۱. قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/167125/>
- لی، جی؛ وانگ، دیوید. (۱۳۸۱). تجزیه و تحلیل آماری با Arcview GIS. ترجمه محمدرضا حسین نژاد و فریدون قدیمی عروس محله، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸). حساب‌های منطقه‌ای ۱۳۹۵-۱۳۹۰. قابل بازیابی از:
https://www.amar.org.ir/Portals/0/PropertyAgent/461/Files/9345/GDPR_REPORT_BY_timeseries_1390_1395.xlsx
- نظریان، اصغر. (۱۳۹۶). پویایی نظام شهری ایران. چاپ ششم، تهران: انتشارات مبتکران.
- نجات پور مجید؛ یزدان پناه، محمد. (۱۳۹۷). مفهوم امنیت انسانی و رابطه آن با امنیت ملی. پژوهش‌نامه اندیشه معاصر، ۱ (۱): ۱-۲۳. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/406449/>
- هال، پیتر؛ فیفر، اولریخ. (۱۳۸۸). آینده شهری قرن بیست و یکم، دستور کار جهانی برای شهرهای قرن بیستم. ترجمه اسماعیل صادقی و ناهید صفایی، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران.

- یزدان فام، محمود. (۱۳۸۸). دولت‌های شکننده و امنیت انسانی. مجله مطالعات راهبردی، ۱۲ (۴۶): ۵-۳۶. قابل بازیابی از:
http://quarterly.risstudies.org/article_895.html
- Akiyode, O. O. (2012). Urbanization and Human Security in Developing Economy Megacity: A Case Study of Lagos, Nigeria. *Journal of Sustainable Development and Environmental Protection*, 2(3), 76-82. Retrieved at: <https://www.researchgate.net/publication/221940751>
- Beall, J. (1996). *Urban governance: Why gender matters*. New York: UNDP.
- Beck, U. (1992). *Risk Society: Towards a New Modernity*, Cambridge. Polity.
- Bollens, S. A. (2008). Human security through an urban lens. *Journal of Human Security*, 4(3): 36-53. Retrieved at: https://www.researchgate.net/publication/250211476_Human_Security_through_an_Urban_Lens
- Esri. (2004). *ArcGIS® 9: Geoprocessing Commands Quick Reference Guide*. Printed in the United States of America.
- Mine, Y, Gómez, O. A, & Muto, A. (2019). "Human Security Norms in East Asia". Springer International Publishing, (Eds.).
- Misra, S. (2014). "Exploring the Relationship of Urban Density and Human Security: Studying Asian Megacities of Mumbai, Ahmedabad and Tokyo. Department of Architecture and Architectural Engineering, Graduate School of Engineering, Kyoto University. Retrieved at: <https://doi.org/10.14989/doctor.k18583>
- OECD. Publishing. (2013). *OECD urban policy reviews .Chile*, OECD Publishing.
- Shaw, R. (2014). Community Dimension of Human Security in Urban Context. In *Challenges for Human Security Engineering*. (pp. 143-171). Springer, Tokyo.
- Shaw, R., Srinivas, H., & Sharma, A. (Eds.). (2009). *Urban risk reduction: An Asian perspective*. Emerald Group Publishing.
- UNDP, U. (1994). *Human Development Report 1994: New dimensions of human security*.
- UNDP. (2005). *Promoting ICT for Human Development in Asia Realizing the Millennium Development Goals*. Regional Human Development Report.
- Un-Habitat. (2007). *Enhancing urban safety and security: Global report on human settlements 2007*. Routledge.
- UN-HABITAT. (2009). "Working Group B: Good Urban Governance: Towards an Effective Private Sector Engagement. Retrieved at:

https://mirror.unhabitat.org/downloads/docs/WG_B_Background_Urban_Governance&the_PrivateSector_draft0.pdf.

- Wu, J., He, C., Huang, G., & Yu, D. (2013). Urban landscape ecology: Past, present, and future. In *Landscape ecology for sustainable environment and culture* : 37-53.

